

• دریافت ۹۷/۱۱/۲۷

• تأیید ۹۸/۰۸/۱۴

تحلیل بازنمایی ایدئولوژی در دستورالوزراء نوشته غیاث‌الدین خواندمیر

نرگس اسکویی*

زهرا جعفریان**

چکیده

در تاریخ ادبیات فارسی، وزارت‌نامه‌نویسی جایگاه با اهمیتی دارد؛ وزارت‌نامه‌ها نوعی از انواع سیاست‌نامه‌نویسی هستند و در شناساندن اهمیت و جایگاه نقش دیوان‌سالاری و جایگاه وزیر در حکومت‌ها - و نیز ارائه راهکارهایی برای بهبود کیفی این سمت خطیر - می‌کوشند؛ وزارت‌نامه‌ها، حاوی اطلاعات ارزشمندی در جنبه‌های تاریخی، سیاسی، ایدئولوژیکی و زبان‌شناختی هستند و تحلیل لایه‌های زبانی و اندیشگانی این متون، در بافت موقعیتی تولید آن، به بازنمایی این اطلاعات کمک شایانی خواهد نمود. بر این اساس، مسئله اصلی این تحقیق، شناساندن دقیق ژرف‌ساخت‌های فکری، فرهنگی و سیاسی کتاب **دستورالوزراء**، یکی از نمونه‌های تاریخ‌نامه‌نویسی فارسی، از طریق تحلیل گفتمان انتقادی قدرت و فرهنگ در لایه‌های سبکی این متن بوده است. خواندمیر، مؤلف این کتاب، منشی دیوان تیموریان و تحت حمایت مستقیم زمامداران عصر، این متن را با جهت‌گیری صریح سیاسی و مذهبی، در حمایت از قدرت حاکم و اتباع آن نگاشته است؛ دستاوردهای حاصل از این تحقیق که به روش تحقیق ترکیبی (تحلیلی-توصیفی-استدلالی) انجام یافت، نشان می‌دهد که: مؤلف از طریق: ۱- برخورداری از واژگان نشان‌دار و شاخص با سویه‌گیری مستقیم به نفع‌گزینش‌های دینی و حکومتی، ۲- بهره‌مندی از نحو پیوسته و قطعیت گفتمانی با غلبه وجه اخباری و صدای دستوری فعال، ۳- استفاده فراوان از تشبیهات و استعارات ایدئولوژیکی در لایه بلاغی برای تقویت منظورهای سیاسی و فرهنگی، ۴- بهره‌مندی بیشتر از کنش‌های ترغیبی برای رسمیت دادن به ارزش‌های حاکم بر ایدئولوژی خود (سیاست-مذهب) و مشروعیت بخشیدن بر گفتمان مسلط زمانه خود کوشیده است.

کلید واژه‌ها:

وزارت‌نامه‌نویسی، دستورالوزراء، تحلیل گفتمان انتقادی، سبک‌شناسی انتقادی، ایدئولوژی.

* دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد بناب، دانشگاه آزاد اسلامی، بناب، ایران noskooi@yahoo.com

** دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بناب z.jafariyan1394@gmail.com

۱- مقدمه

در طول تاریخ ایران زمین، ادبیات ابزاری بوده است برای حفظ هویت و تاریخ ملی و در گوشه گوشه متون ادبی، گنجینه‌های اطلاعاتی بسیاری از تاریخ سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و نظامی ایران قابل رؤیت است. این یک واقعیت است که تاریخ‌نویسی قرن‌ها تحت سیطره قدرت سیاسی حاکم قرار داشته است و مورخان که اغلب منشیان، مترسلان و وابستگان به دربار بودند، راوی شرایط زیست حاکمان و کنش‌های آنان به‌گونه‌گزیده بوده‌اند. تاریخ‌نگار می‌کوشد انگاره‌ها و باورهای ایدئولوژیکی خود را در پشت متن پنهان کند، اما از طرف دیگر، احساس تعهد و بازنمایی ارزش‌ها چیزی است که دغدغه نویسندگان متعهد بوده است؛ بدین ترتیب، ادعای بی‌طرفی نویسندگان تاریخ در پس ارزش‌گذاری‌ها، انتقادات و یا جانب‌داری آن‌ها، معمولاً خنثی شده است و مورخ «آن رؤیای ناممکن را از سر به در کرده است که نقش بی‌طرفانه و فارغانه‌ای از جامعه بشری ترسیم کند» (سارتر، ۱۳۴۸: ۴۲). بنابراین حتی در نوشته‌هایی که نویسنده اصرار دارد کلامش را آزاد و به اصطلاح به درجه صفر نوشتار نزدیک کند، مواردی از باورها و عقاید خود را به طور کاملاً ناخودآگاه در متن رسوخ می‌دهد.

تاریخ‌نگاری و متون تاریخی، معمولاً جنبه عمومی می‌یابد و لاجرم بازتابی از گفتمان زمانه مؤلف در نظام فکری و نوشتاری اوست و با روش تحلیل گفتمان - یعنی درک و دریافت آنچه در متن ذکر نشده است از طریق تجزیه و تحلیل عینیت‌های زبانی متن - معانی و ایدئولوژی مستور در متن تاریخی برایمان وضوح بیشتری خواهد یافت؛ این همان طریقی است که سبک‌شناسی انتقادی در پی آن است: «در سبک‌شناسی انتقادی هدف از مطالعه ویژگی‌های سبکی متن، آشکار کردن فرایندهای ایدئولوژیکی پنهان در متون است (مکاریک، ۱۳۹۰: ۴۲-۴۳).

سیاست‌نامه‌نویسی از سنت‌های مهم در فرهنگ و اندیشه سیاسی جوامع اسلامی است؛ سیاست‌نامه‌ها زاده شرایط سیاسی-اجتماعی عصر خود بودند و از این رو ارائه ایدئولوژی در شکل: ارزش‌گذاری، توجیه‌گری و خاصیت اقناع مخاطب و همچنین روایت‌گزینی وقایع تاریخی، از ویژگی‌های اصلی این متون بوده است. سیاست‌نامه‌نویسی در قالب‌های مختلف نظیر اندرزنامه، آیین‌نامه، ارشادنامه، نصیحه‌الملوک، آیین‌شاهی و وزارت‌نامه رواج داشته است. با انتقال امور به دست کارکنان دولتی و ایرانی در حکومت‌های اسلامی، نوشتن آثار به سبک وزارت‌نامه‌نویسی رونق یافت. این دسته از متون تاریخی-ادبی به لحاظ محتوایی شامل مواردی چون آگاهی‌های ذی‌قیمت درباره امور دیوانی و کاربرد مفاهیم فنی این منصب و همچنین نشان

دادن تعارضات نظام‌های دیوانی است؛ هم‌چنین بخش اصلی این نوع متون به بیان ویژگی‌های مقام وزارت و احوال و سیرت وزیران اختصاص دارد. مورخان و مترسلان، با درک هوشمندانه از نقش نهاد وزارت در پیشبرد امور مملکتی و حکومتی، با نوشتن این قسم آثار باعث پررنگ‌تر شدن اعتبار نهاد وزارت و تبیین مفاهیم ایدئولوژیکی زمانه خود شده‌اند.

۱-۱- بیان مسئله

تحلیل گفتمان یکی از روش‌های مهم و کارآمد در مطالعات تاریخی-ادبی محسوب می‌شود. از آنجا که مکتوبات هر دوره، حوادث سیاسی و اجتماعی یک جامعه را بازتاب می‌دهد، واکاوی متون با استفاده از ابزار تحلیل گفتمان، راهی مؤثر در تبیین اندیشه‌های سیاسی و اجتماعی مستتر در بافت هر متن خواهد بود. وزارت‌نامه‌ها، چون اغلب تاریخ‌نگاشت‌های فارسی، متأثر از فضای درباری و دیوانی و تحت تسلط گفتمان اقتدارگرای سیاسی عصر خود پدید آمده‌اند، اما در عین حال از پالایه‌های ایدئولوژیکی و زبانی مؤلف رد شده‌اند. یافتن نکات پنهان فکری در ژرف‌ساخت گفتمانی بافت زبانی اثر، منجر به شناخت‌های عمیق‌تری از متن خواهد شد که از طریق پژوهش‌های زبان‌شناختی و تحلیل گفتمان تاریخی و فرهنگی میسر گشته است و مسئله اصلی این تحقیق بر همین اساس شکل یافته؛ این پژوهش بر آن بوده است که یکی از نمونه‌های نوع وزارت‌نویسی، یعنی کتاب دستورالوزراء را در جست‌وجوی ایدئولوژی پنهان در لایه‌های مختلف متن تحلیل نماید. در این تحقیق از شیوه تحقیق ترکیبی (تحلیلی-توصیفی-استدلالی) بهره جسته‌ایم.

۱-۲- پیشینه تحقیق

جست‌وجوی ایدئولوژی در لایه‌های سبکی متون علی‌الخصوص در آثار تاریخی و ادبی در دهه اخیر مورد توجه پژوهشگران ایرانی قرار گرفته است؛ مه‌ری و دلبری (۱۳۹۴) در مقاله «کارکرد ایدئولوژی در لایه‌های سبکی داستان حسنک وزیر» به این نتیجه رسیده‌اند که بیهقی در عین اصرار بر بی‌طرفی، باورها و قضاوت‌های خود را در تاریخ‌نویسی منعکس ساخته است؛ احمد دادکانی (۱۳۹۳) در پایان‌نامه «انعکاس دیدگاه سیاسی عظام‌ک جوینی در تاریخ‌نگاری او» و مه‌ناز طبیعت‌بلند (۱۳۹۴) در پایان‌نامه «واکاوی ایدئولوژی‌های جهان‌گشای جوینی» نشان داده‌اند که چگونه جوینی ایدئولوژی اصلی خود (مخالفت با مغولان و ایلخانان) را در لفافه‌ای از روساخت متن این تاریخ - که مملو از مدح مغولان است - پیچیده است؛ سودابه یوسفیان و

همکارانش در مقاله «بررسی سبکی غزلیات اجتماعی عارف قزوینی و مقایسه با شاعران هم‌دوره (لایه ایدئولوژی)» اغلب غزلیات عارف را بازگوکننده گفتمان ایدئولوژیکی و انتقادی عصر یافته‌اند؛ زمانی و صفوی (۱۳۹۷) نیز در مقاله «سبک‌شناسی انتقادی شعر شمس کسمایی»، تأثیرات گفتمان مشروطه و ایدئولوژی منبعث از ناسیونالیسم ایرانی را در این شعر تحلیل کرده‌اند. علی‌رغم آن که وزارت‌نامه‌های فارسی، به جهت پیوند با مناصب قدرت و سیاست، متون مهمی از دیدگاه انعکاس ایدئولوژی حاکم بر بافت موقعیتی خود هستند، اما تاکنون پژوهشی در این نوع سیاست‌نامه‌ها انجام نیافته است و ضرورت انجام آن احساس می‌شود.

۲. بحث و بررسی

۲-۱- تحلیل گفتمان انتقادی^۱ و سبک‌شناسی انتقادی^۲

تحلیل گفتمان انتقادی، تحلیل ایدئولوژی‌های مورد نظر گویندگان و نویسندگان است، یعنی با تحلیل گفتمان انتقادی می‌توان تا حد زیادی به اندیشه و فکر نویسنده و گوینده دست یافت. مفهوم گفتمان در بسیاری از رشته‌ها و رهیافت‌ها از زبان گرفته تا فلسفه و سیاست، مورد استفاده قرار می‌گیرد. این امر تا اندازه‌ای موجب ابهام معنایی این واژه شده است. گفتمان در گستره مفهومی خود، به معنای موعظه، خطابه، سمینار، سخنرانی و ... است؛ اما اگر بخواهیم این واژه را در معنای فنی و علمی بررسی کنیم، «گفتمان به جنبه‌هایی از زبان می‌پردازد که تنها می‌توان آن‌ها را با ارجاع به متکلم، وضعیت یا موقعیت مکانی و زمانی وی یا با ارجاع به متغیرهای دیگر بیان نمود، که در مشخص کردن بسترهای بافت موضوعی پاره گفتار به کار می‌روند. در این کاربرد فنی، گفتگو شرط مقدماتی هر گفتمان است و به بیان دایان مک دانل «گفتمان هر نوع گفتار و کلام نوشتاری را که در جریان اجتماعی شکل می‌گیرد، شامل می‌شود» (فرقانی، ۱۳۸۲: ۶۰-۶۲).

تحلیل گفتمان انتقادی، شاخه علمی بین‌رشته‌ای در زبان‌شناسی است که کارکرد زبان را در جامعه و سیاست بررسی می‌کند. این روش علمی نقادی، از ره‌آوردهای تفکر پسانوگرایی (پست‌مدرنیسم) است و ریشه در آرای میشل فوکو دارد که معتقد است: ما مجموعه‌ای از احکام را تا زمانی که متعلق به صورت‌بندی گفتمانی مشترکی باشند، گفتمانی می‌نامیم. گفتمان متشکل از تعدادی از احکام است که می‌توان برای آن‌ها مجموعه‌ای از شرایط موجود را تعریف کرد. (سلطانی، ۱۳۸۴: ۴۰). این رویکرد از زبان‌شناسی معتقد است که عواملی همچون بافت تاریخی،

روابط قدرت و سلطه، نهادهای اجتماعی، فرهنگی و ایدئولوژی، متن یا صورت زبانی و معانی جدید را به وجود می‌آورند. (آقاگل‌زاده، ۱۳۸۹: ۱۱). این روش مطالعاتی چندرشته‌ای، چگونگی تبلور و شکل‌گیری پیام واحدهای زبانی را در ارتباط با عوامل بافت درونی زبان و نیز کل نظام زبانی و عوامل برون زبانی (زمینه اجتماعی، فرهنگی و موقعیتی) بررسی می‌کند؛ در تحلیل گفتمان انتقادی، معانی تازه‌ای از گفتمان قابل دستیابی است؛ «از این رو در واکاوی و تحلیل گفتمان، می‌توان با بهره‌گیری از روساخت‌های کلامی و زیرساخت‌های دلالتی، به معانی تازه‌ای دست یافت و به خطوط فکری، ایدئولوژیک و اهداف ارتباطی و کنشی گفتمان پی برد» (روشنفکر و اکبری‌زاده، ۱۳۹۰: ۱۲۶ و ۱۲۷). در نتیجه تحلیل گفتمان انتقادی بر نحوه بازتولید قدرت اجتماعی و سیاسی به وسیله متن و گفتگو تأکید می‌کند.

در تحلیل گفتمان، تحلیلگر با دو عنصر کلیدی سروکار دارد: ۱. بافت متن و ۲. بافت موقعیت؛ منظور از بافت متن این است که عنصر زبانی در چارچوب چه متنی قرار گرفته و جملات ماقبل و مابعد آن عنصر در داخل متن چه تأثیری در تبلور صوری، کارکردی و معنایی آن دارد؛ در بافت موقعیتی، یک عنصر یا متن در چارچوب موقعیت خاصی که تولید شده است، مد نظر قرار می‌گیرد. بافت‌های فرهنگی، اجتماعی، محیطی و سیاسی همگی از این نوع هستند. (بهرام‌پور، ۱۳۷۹: ۲۴).

سبک‌شناسی انتقادی رویکردی است که نحوه شکل‌گیری مفاهیم اجتماعی در زبان و شیوه‌های بازنمایی آن‌ها را تحلیل می‌کند. این نوع تحلیل مستقیماً تحت نفوذ اندیشه‌های فیلسوفانی مانند فوکو، سرل و روش‌های کاربردشناسی زبان، تحلیل گفتمان و زبان‌شناسی متنی انجام می‌گیرد، به گونه‌ای که زمینه کار با ابزارهای این روش‌های زبان‌شناختی را در بررسی متن‌های کوتاه و بلند برای سبک‌شناسی فراهم کند. مفاهیم بنیادی سبک‌شناسی انتقادی عبارت‌اند از: سبک، گفتمان، نظریه انتقادی، ایدئولوژی و قدرت. این رویکرد «اصطلاحی است برای اشاره به آن دسته از آثار سبک‌شناختی که روش‌هایی را بررسی می‌کنند که در آن‌ها مفاهیم اجتماعی از طریق زبان آشکار می‌شوند. زبان‌شناسی انتقادی و تحلیل گفتمان انتقادی این گرایش سبک‌شناختی را به طور گسترده‌ای الهام بخشیدند و بر آن اثر گذاشتند.» (نورگارد و همکاران، ۱۳۹۴: ۲۶).

۲-۲ ایدئولوژی^۳

اصطلاح ایدئولوژی مورد توجه صاحب‌نظران تحلیل‌گفتمان انتقادی است؛ از جمله ون دایک با استفاده از واژه «باور» که از روان‌شناسی وام گرفته، ایدئولوژی را به طور عام به منزله «نظام باورها» تعریف می‌کند. از نظر او، ایدئولوژی هم می‌تواند منفی باشد که در این صورت سازوکار مشروعیت‌بخشی به سلطه به شمار می‌آید و هم ممکن است مثبت باشد که در این صورت برای مشروعیت بخشیدن به مقاومت در برابر سلطه و نابرابری‌های اجتماعی به کار می‌رود. همچنین، ایدئولوژی مبنای کردارهای اجتماعی نیز هست. یکی از این کردارهای اجتماعی که به شدت تحت تأثیر ایدئولوژی است، کاربرد زبان و گفتمان است. البته، کاربرد زبان و گفتمان نیز بر چگونگی کسب، یادگیری و تغییر ایدئولوژی تأثیر دارد. (درپر، ۱۳۹۲: ۴۵ و ۴۶). دیگر صاحب‌نظران این حوزه نیز چنین نگرشی به مناسبات میان زبان و نظام باورها دارند: «زبان صورت مادی ایدئولوژی است و در واقع زبان آغشته به ایدئولوژی است.» (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۹۶). همچنین مارکس، ایدئولوژی را به معنای دیدگاهی می‌داند که مردم طبق آن جهان را معنا می‌کنند که شاید ناگزیر ربطی به واقعیت هم نداشته باشد. (آشوری، ۱۳۸۰: ۴۴). این واژه آن چنان دایره شمول گسترده‌ای دارد که برخی از جامعه‌شناسان آن را «معادل فرهنگ یک جامعه» (جان‌احمدی، ۱۳۸۸: ۴۴) تلقی کرده‌اند.

۳- بافت موقعیتی تولید دستورالوزراء

غیاث‌الدین محمد، پسر همام‌الدین پسر جلال‌الدین محمد پسر برهان‌الدین محمد هروی و مشهور به خواندمیر، از معروف‌ترین مورخان و ادیبان ایران و جهان اسلام در دوره تیموری است. دوره تیموریان و مکتب هرات، به جهت توجه ویژه برخی بزرگان این دولت - نظیر سلطان حسین بایقرا و امیرعلی شیر نوایی - به فرهنگ، هنر و ادب، در تاریخ فرهنگی ایران از اهمیت بسیاری برخوردار است؛ در این میان آثار غیاث‌الدین خواندمیر به جهت حضور و دخالت مستقیم او به عنوان منشی دربار این عهد، در امور سیاسی، اهمیت دو چندان می‌یابد. خواندمیر از دوران جوانی تحت حمایت مستقیم امیرعلی شیر نوایی قرار گرفت و پس از راهیابی به دربار سلطان حسین بایقرا، با شاهزادگان تیموری چون بدیع‌الزمان میرزا پسر بزرگ بایقرا دوستی یافت و به تدریج با همه شاهزادگان تیموری هم‌نشین شد؛ پس از مرگ سلطان حسین بایقرا، میان فرزندانش اختلافات و منازعاتی رخ داد. خواندمیر به مناسبت دوستی با بدیع‌الزمان میرزا جانب او

را گرفت و تا آخر عمر این شاهزاده که از ۹۱۲ ق با برادرش مظفر حسین میرزا حکومت هرات را در دست داشت، در خدمت وی بود و وزارتش را عهده‌دار شد و غالباً مأموریت‌های مهم بر عهده او قرار می‌گرفت. (نفیسی، مقدمه بر خواندمیر، ۱۳۵۵: ۷).

جانشینان تیمور، علی‌الخصوص شاهان قدرتمند این سلسله نظیر شاهرخ و سلطان حسین بایقرا، به جای قانون چنگیزی (یاسا) که مؤسس این سلسله بر اساس آن زمامداری می‌کرد، بنای حکومت خود را بر دیوان‌سالاری نهادند (حیدر، ۱۳۸۴: ۹۷)؛ و وزراء در دیوان‌هایی نظیر دیوان بزرگ امارت، دیوان اعلی (نظارت بر امور لشکری و کشوری)، دیوان توچی (امور نظامی) و دیوان مال (امور مالی و اقتصادی) (فرهانی منفرد، ۱۳۸۲: ۹۰) مصدر رتق و فتق اوضاع بودند. امیرعلی شیر نوایی، امیر دیوان اعلی، مهربار سلطنتی و مشاور سلطان حسین، در عزل و نصب وزراء دخالت مستقیم داشت (سابتلنی، ۱۳۸۴: ۲۱۳) و سلطان حسین همواره می‌کوشید که میان این دو منصب (امیر علی شیر و وزراء) صلح و تعادل برقرار نماید (فرهانی منفرد، ۱۳۸۲: ۹۳ و ۱۸۰ و ۱۸۱)؛ از این جهت نقش دیوان‌سالاری و منصب وزارت و جایگاه وزرا در تاریخ‌نگاری خواندمیر بسیار برجسته شده است تا آنجا که یکی از آثار خود، یعنی **دستورالوزراء** را تماماً به این مهم اختصاص داده است؛ خواندمیر از نزدیک شاهد بسیاری از وقایع سیاسی عصر تیموریان بوده و آن‌ها را در آثارش منعکس ساخته است.

مهم‌ترین وقایع تاریخی و سیاسی این عصر را می‌توان در این امور خلاصه و تقسیم‌بندی نمود: ۱- فرهنگ‌دوستی و هنرپروری امرای تیموری ۲- شورش شاهزادگان و حکام مناطق مختلف و فرزندانشان؛ ۳- رقابت امرای ترک تیموری با وزیران ایرانی؛ ۴- حملات اقوام بیگانه نظیر ازبکان و ۵- ظهور دولت تازه تأسیس صفوی. (فرهانی منفرد، ۱۳۷۸: ۲۲-۲۴)؛ خواندمیر، به عنوان منشی و مورخ درباری، در سایه حمایت مستقیم زعمای حکومتی و دیوانی، در بسیاری از وقایع سیاسی و تاریخی که در کتب تاریخی خود می‌نگارد، شرکت مستقیم داشته است و در شیوه تاریخ‌نگاری تحلیلی-توصیفی خود به مسائل سیاسی، نظامی و فرهنگی در نیمه دوم قرن نهم و نیمه اول قرن دهم اشاره می‌کند که در منابع دیگر ذکر نشده است؛ بنا بر مطالب مذکور، می‌توان نتیجه گرفت که آثار خواندمیر، از جمله دستورالوزراء، به‌سان آینه‌ای منعکس‌کننده و حتی مبلغ اندیشه سیاسی حاکم بر عصر خود است و در نظام گفتمانی خود، به‌مثابه زبان گویای ارزش‌های حکومتی-سیاسی زمانه‌اش عمل می‌نماید.

دستورالوزراء به بیان طبقات تاریخ وزراء از صدر اسلام تا عهد مؤلف (انقراض تیموریان)

اختصاص دارد. این کتاب اطلاعات دقیقی دربارهٔ وزرای معاصر خواندمیر ارائه می‌کند؛ همچنین اسامی وزیران دولت‌های بنی‌امیه، سامانیه، دیالمه، غزنوی، سلجوقی، خوارزمشاهی و ... در متن مشاهده می‌شود. حتی به برخی از وزرای قبل از اسلام چون آصف بن برخیا و بزرگمهر حکیم هم اشاره‌ای کرده است: «بنابر ملاحظه تیمن و تبرک این رساله را مصدر به ذکر آصف برخیا و بزرگمهر حکیم ساخت.» (خواندمیر، ۱۳۵۵: ۸).

۳-۱- شیوه تاریخ‌نگاری و بینش ایدئولوژیکی خواندمیر

نخست باید تاریخ‌نگاری خواندمیر را به دو بخش تاریخ عمومی، یعنی تاریخ گذشتگان که خواندمیر آن را از منابع و مسموعاتش نقل می‌کند و تاریخ اختصاصی که مختص به عصر زندگی مؤلف (دوره تیموری و اوایل صفویه) است تقسیم کرد؛ در تاریخ‌نگاری عمومی، خواندمیر، به طریق مترسلاطه معهود عصرش، تنها به روایت و توصیف وقایع می‌پردازد و به شیوهٔ گذشتگان خود، به جنبه‌های عبرت‌آموز تاریخ اشاره می‌کند و نگرشی اخلاق‌گرا و معاداندیش دارد؛ اما در تاریخ‌نگاری اختصاصی که از دیدگاه این تحقیق نیز اهمیت بیشتری می‌یابد، خواندمیر، جز توصیف اتفاقات، به تحلیل، استدلال، توجیه یا انتقاد حوادث و رویدادها نیز می‌پردازد و دیدگاه‌های خود را به روشنی در متن انعکاس می‌دهد. او به شیوهٔ تاریخ‌نگاران دوره تیموری که اغلب عامل حکومت هستند، در تاریخ‌نگاری اختصاصی، حوادث را به شیوهٔ گزینشی روایت می‌کند و در گزارش‌دهی تاریخی، هم منافع شخصی و هم ملاحظات مذهبی و سیاسی را رعایت کرده است. از این روی در اغلب تحلیل‌های تاریخی این کتاب، نقدی از حاکمان هم‌عصر مؤلف دیده نمی‌شود، در عوض بیشترین انتقادات نثار مخالفان می‌گردد. هم‌چنین، خواندمیر، همچون سایر هم‌سلکانش در دوره تیموری، اعتنای چندانی به احوال مردم عادی نمی‌نماید؛ محتوای آثار تاریخی در این دوران اغلب روایتگر زندگی طبقهٔ حاکم است.

مهم‌ترین دیدگاه خواندمیر در شرح واقعات، تاریخ تقدیرباوری اوست، وی امور جهان و چرخش حوادث را خارج از ارادهٔ آدمی و تماماً در زمام قدرت یزدان می‌داند:

«و چون کیخاتوخان بر سریر سلطنت نشست، امراء در تعیین وزیر، قرعهٔ مشورت در میان انداختند و امراء بودند، قلمی ساختند؛ هر چند در آن مفصل، نام دستور اعظم، صدرالدین احمد نبود، اما چون محرر تقدیر، منشور وزارت به نام نامی او تحریر نمود، هنگام عرض در آیینۀ

نورانی خاطر ایلخانی، سابقه اندیشه این صورت پرتو انداخت که جهت سرانجام مهام سلطانی و تمشیت معاملات دیوانی صدرالدین احمد زنجانی را وزیر می‌باید ساخت.» (خواندمیر، ۱۳۵۵: ۳۰۶). اما حتی همین بینش نیز به گونه گزینشی و در خدمت منافع قدرت حاکم حرکت می‌کند. در این دیدگاه، سلطان (سلطان ممدوح که خواندمیر در کنف حمایت و توجه اوست)، سایه خداوند بر روی زمین است و جنبه تقدس‌آمیز دارد، اطاعت از او، جزو واجبات دینی است؛ خواست او خواست خداوند است. (خواندمیر، ۱۳۸۰: ۳۶۳/۴) در اندیشه سیاسی خواندمیر، سلطان جامع صفات و نمونه انسان کامل است و در رأس همه امور قرار دارد. (خواندمیر، ۱۳۷۲: ۱۷۳).

جنبه‌های فکری-سیاسی موجود در متن دستورالوزراء که بیانگر ارزش‌های ایدئولوژیکی مؤلف آن است را می‌توان بدین گونه برشمرد: ۱- اعتقاد به ناپایداری جهان، ۲- مرگ‌اندیشی و معادباوری، ۳- اعتقاد به پادافره نیک و بد اعمال، ۴- اندر زدهی و موعظه‌گری با تأکید بر ذخیره حسنات برای جهان باقی، پرهیز از سیئات و رعایت حدود شرعی و ۵- ذکر تقابل‌های دوگانه (ظلم- عدل، راستی- ناراستی، وفا- پیمان شکنی و...) - و برشمردن عاقبت هر یک از آنها در روایت احوال اشخاص (دوستان در جناح نیکی‌ها و مخالفان در جبهه نامردمی‌ها)؛ خواندمیر بر مبنای نظام اندیشگانی متشکل از ارزش‌های مذکور، موضع‌گیری‌های صریح سیاسی و اعتقادی خود را در روایت تاریخ وارد می‌کند:

«آن بدکنش به سبب شرارت نفس و طبیعت ناپاک، آغاز بی‌ادبی کرده، ابواب ظلم و تعدی بر روی رعایا که ودایع حضرت خالق‌البرایا اند گشاد و بر مظلومان و ستم‌دیدگان تحمیلات گران کرده، انواع فتنه و فساد بنیاد نهاد و از شام تا بام در آن خیال به سر می‌برد که به چسان بی‌گناهی را آواره و سرگردان سازد... و اگرچه بر سیل رشوت میلغ‌ها از مردم گرفتگی، اما به ساختن مهم ایشان نپرداختی... اهل صلاح و تقوی دست به دعا برداشتند و به تضرع و زاری از حضرت باری دفع شر آن بداختر را مسئلت نمودند. عاقبت تیر دعای مستمندان کارگر گشت و سؤال ستم‌دیدگان به عزّ اجابت مقرون شد... و در شبی که آن بداختر... به شرب خمر اقدام می‌نمود، میان او و برادر مشارالیه، ترخانی بیگ، مباحثه واقع شد و آن جوانمرد، حسام خون‌آشام از نیام انتقام بیرون کشیده، به یک ضربت روح خبیث او را به صدر جهنم رسانید و عالمی را از شرارت نفس شومش رهانید» (خواندمیر، ۱۳۵۵: ۴۵۶).

خواندمیر در روایت تاریخ از شیوه توصیفی- تحلیلی استفاده می‌کند؛ در این روش «مورخ به جای ذکر روایات مختلف و اسناد یک واقعه، از راه مقایسه و ترکیب و ایجاد سازگاری میان

روایات گوناگون، واقعه یا رخداد را در طی یک روایت توضیح می‌دهد» (سجادی و عالمزاده، ۱۳۹۵: ۳۷-۴۲). این شیوه، امکان روایت‌گزینی‌های گوناگون را به مورخ می‌دهد و چنان‌که گذشت، مصالح شخصی و حکومتی، مهم‌ترین انگیزه و معیار خواندمیر در انتخاب رویدادهای تاریخی برای نقل است.

ویژگی‌های اصلی نثر خواندمیر در تاریخ‌نویسی **دستورالوزراء** عبارت است از: ۱- استنتاج‌های اخلاقی و حکمی در گزارش تاریخی یا روایت زندگی‌نامه اشخاص، ۲- اطناب (متراذفات، حشو، توصیف، تصویرگری، جملات معطوف و پیوسته، عبارت‌پردازی و آراستگی‌های کلامی)، ۳- کاربرد فراوان صناعات ادبی لفظی و معنوی (بیش از همه: سجع، جناس، مراعات‌النظیر، تکرار، تضاد، ارسال‌المثل)، ۴- بهره‌مندی بسیار از آیات، احادیث و اشارات مذهبی، ۵- آمیختن نظم و نثر و استفاده از اشعاری که یا از سروده‌های خود مؤلف است و یا سروده شاعران دیگر ۶- صورتهای خیالی بسیار و ۷- استفاده بیش از حد از لغات و اصطلاحات و ترکیبات عربی (که بعضاً مهجور بوده و عیب غرابت استعمال را بر فصاحت متن تحمیل نموده است).

۴- تحلیل بازنمود قدرت و ایدئولوژی در لایه‌های سبکی دستورالوزراء

سطوح و واحدهای تحلیل در زبان که می‌تواند یک بررسی سبک‌شناسانه را سازمان‌دهی کند عبارت‌اند از: لایه آوایی، لایه واژگانی، لایه نحوی، لایه بلاغی، لایه کاربردشناسی و لایه ایدئولوژیکی؛ دانش زبان‌شناسی هر یک از این لایه‌ها را با روش‌ها و ابزارهای ویژه‌ای بررسی می‌کند؛ در ادامه به تحلیل لایه‌های سبکی **دستورالوزراء** پرداخته‌ایم:

۴-۱- تحلیل بازنمود ایدئولوژی در لایه واژگانی دستورالوزراء

لایه واژگانی یکی از لایه‌های بنیادین در شکل‌گیری یک اثر ادبی به شمار می‌آید که در سازمان‌دهی به سبک فردی، نقش بسزایی ایفا می‌کند زیرا «واژه‌ها علاوه بر رسالت ارتباطی‌ای که بر دوش می‌کشند، محمل انگاره‌ها و فضاهاى ذهنی خالق خویش‌اند و هیچ‌گاه نباید از بار عاطفی آن‌ها غافل بود» (دلبری و مهری، ۱۳۹۴: ۶۷). واژگان، دال‌ها، نمادها و نشانه‌ها موضوع تحلیل در این لایه سبکی هستند و فرض بر آن است که انتخاب واژگانی، محصول بینش و ایدئولوژی مؤلف است و مؤثر بر گفتمان متن: «کلمه‌ای که موضوع موردنظر خود را هدف قرار

داده است قدم به محیط کلمات، ارزش گذاری‌ها و تکیه‌های بیگانه‌ای می‌گذارد که به لحاظ مکالمه‌ای آشفته و پرتنش است. کلمه مزبور، گاه به درون روابط متقابل پیچیده‌ای جذب می‌شود و گاه از این روابط رانده می‌شود، با برخی می‌آمیزد و از پاره‌ای دیگر می‌گریزد و از میان گروه دیگری نیز می‌گذرد. تمامی این امور ممکن است اثری حیاتی در شکل‌گیری گفتمان داشته باشند، در تمامی لایه‌های معناشناختی آن از خود ردپایی باقی گذارند، ترجمان آن را پیچیده سازند و کل وضعیت سبک‌شناسی آن را تحت تأثیر قرار دهند» (باختین، ۱۳۸۷: ۳۶۵).

در مطالعه لایه واژگانی مؤلفه‌هایی از قبیل رمزگان، واژگان حسی و انتزاعی، عموم و خصوص، شاخص و... بررسی می‌شوند:

۴-۱-۱- واژگان نشانه‌دار

وجود معانی ضمنی و تداعی‌های مثبت و منفی در واژه‌های نشان‌دار، سبب می‌شود که این واژه‌ها در بردارنده دیدگاه و نگرش مشخص و تلقی ایدئولوژیک باشند؛ واژگان نشانه‌دار «علاوه بر دلالت بر یک مفهوم خاص، در بردارنده معانی ضمنی و مفاهیم ارزشی نیز هستند که نگرش و طرز تلقی نویسنده و گوینده را در خود دارند» (شمیسا، ۱۳۸۴: ۱۵ و ۱۶). از این‌رو نشانه‌دار بودن واژگان، می‌تواند بیانگر بسیاری از تکیه‌گاه‌های فکری و اعتقادی نویسنده باشد: «نوع رمزگان در لایه واژگانی و نقش آن رمزگان در متن، میزان وابستگی و دل‌سپردگی نویسنده به گفتمان‌ها مسلط و نسبت او با ایدئولوژی‌ها و نهادهای قدرت را مشخص می‌کند.» (فتوحی، ۱۳۹۱: ۲۶۰).

۴-۱-۱-۱- رمزگان^۴

رمزگان‌ها بخشی از واژگان نشانه‌دار هستند و در تحلیل گفتمانی و نشانه‌شناسی^۵ ایدئولوژیکی نقشی بنیادین ایفا می‌کنند و رمزگشایی از آن‌ها یا آمارگیری از حوزه‌های کاربردی رمزگان، اطلاعات ذی‌قیمتی از معانی ضمنی و درونی شده در بافت زبانی متن، در اختیار پژوهشگر قرار می‌دهد: «رمزگان از اصطلاحات کلیدی نشانه‌شناسی است، هر رمزگان، نظامی از دانش است که امکان تولید، دریافت و تفسیر متون را فراهم می‌کند و بیشتر بافت‌بنیاد و فرهنگ بنیاد است. زبان، بزرگ‌ترین و پیچیده‌ترین رمزگان است؛ زیرا همه رمزگان‌های دیگر از جمله رمزگان‌های آداب، پوشاک، غذا، اطوار، اشارات، نظام‌های حرکتی و غیره به واسطه زبان قابل توصیف است.» (سجودی، ۱۳۸۷: ۱۵۰).

در متن کتاب **دستورالوزراء** بسامد رمزگان مذهبی و حکومتی (دیوانی) نسبت به رمزگان دانش بالاتر و بیشتر است:

رمزگان حکمت و عرفان	رمزگان حکومت	رمزگان علمی
حکمت-رساله-دین-شهود-حمد-ثنا-	دیوان-ارباب-وزیر-سلاطین-	محاسبه-دفتر-کتاب-فهم-
اسرار-دین-قرآن-قاری-انبیاء-	خاقان-مسند-خزانه-پادشاه-دولت-	عقل-کیاست-قلم-
حمیده-بعثت-علماء-آخرالزمان-	ملک-ملت-خلافت-مملکت-	مترسلانه-خامه-کلک-
وادی-اسم-اعظم-وحی-عالم-سر-	درگاه-حکومت-مجلس-سیاست-	تحریر-قرائت-معلم-اخبار-
علوم-ربانی-کیریا-حرم-منان-	مقام-اشراف-ندماء-خدم-ولایت-	فن-دبیرستان-بلاغت-
موبدان-اهل-بیت-رسالت-سادات-	اکابر-ندیم-خسرو-عالی-مقام-	کتب-انتظام-دبیران-
اخلاص-شهادت-امام-مکه-	بزرگان-شاه-اکابر-رعیت-سپاه-	خردمند-اهل-هنر-ارباب-
روزقیامت-نیاز-ائمه-مناسک-دل-	اعاظم-عمال-حاکم-نایب-بارگاه-	علم-درس-مصحف-
مستی-رکعت-عفو-مسلوک-فتوی-	لشکریان-خازنان و ...	مکاتبات-منشآت-
عالم-آخرت-ازل-رسالت-صدقه-عالم		دانشمندان-فن-حساب-
فانی-جهان-جاودانی-سجاده و ...		مطالعه-علم-فقه و ...

جدول شماره ۱- رمزگان پربسامد در متن دستورالوزراء

تحلیل رمزگان در لایه واژگانی **دستورالوزراء**، نمایانگر دیدگاه مذهبی و سیاسی موجود در این لایه است؛ گزینش غالب مؤلف از دایره کلمات و کاربرد آن در متن، همان گونه که در جدول نیز مشخص است، جهت گیری معناداری به سمت انگاره‌های مذهبی و اخلاقی دارد. مؤلف، چنان که گذشت، دیدگاه مذهبی و تقدیرگرا به همه امور و اتفاقات جاری دارد و سرخ تمام اتفاقات را در دست قاهر و مقدر باری تعالی می‌بیند و حیات و ممات نیک را در نیک‌اخلاقی و پاکیزه‌دینی معرفی می‌کند؛ هم‌چنین باورهای مذهبی نویسنده در نتیجه‌گیری و تحلیل رویدادها و تعالیم حکمت‌آموز و معاداندیش او نیز قابل رؤیت است. باورهای مذهبی، مؤید دیدگاه سیاسی نویسنده هم هست و خواندمیر شاهان حامی خود را، نماینده و مجری دین می‌داند و مخالفان آنان را، معارضان با اعتقادات مذهبی نشان می‌دهد:

«شیخ خسروشاهی، در سلک عمال ماورالنهر انتظام داشت و در آن اوان که میان میرزا ابابکر و میرزا عمر، ابنای میرزا میران‌شاه در آذربایجان و عراق، صورت مخالفت روی نمود، میرزا ابابکر، خزانه میرزا عمر را که در سلطانیه بود غارت نمود و شیخ خسروشاهی از سمرقند رسیده، به میرزا عمر پیوست و منصب وزارت یافته، متقبل شد که موازی نقد و جنسی که میرزا ابابکر از

خزانة سلطانیه برده کفایت نماید و عمال را در مصادره کشیده بر متمولان تبریز تحمیلات نامقدور نمود و به اندک زمانی نتیجهٔ ظلم، شامل پادشاه و وزیر گشته، در منزل میانج گرمود؛ و میرزا عمر ویران شد و شیخ به مرافقت بعضی از امراء از شاهزاده گریخته، نزد میرزا ابابکر رفت و به جزای اعمال سیئهٔ خویش گرفتار شد.» (خواندمیر، ۱۳۵۵: ۳۴۳).

۴-۱-۱-۲- شاخص^۶

بررسی شاخص‌ها در تحلیل گفتمانی متون از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و می‌تواند آگاهی‌های بنیادینی از ایدئولوژی موجود در لایهٔ واژگانی به دست دهد، شاخص «صورتی از ارجاع است که وابسته به بافت گوینده است؛ اصطلاحی است که از کلمهٔ یونانی به معنی نشانه‌گذاری اخذ شده است و با استفاده از ابزارهای زبان‌شناختی برای تعیین محل و مکان‌یابی هویت در بافت مکان اجتماعی، مکانی-زمانی و گفتمانی استفاده می‌شود» (شیبانی‌اقدام، ۱۳۹۴: ۸۱-۸۲). شاخص «در قالب القاب و عناوین و یا قیودی که برای تعریف و توصیف بیشتر کلمات به کار گرفته می‌شود، دیده می‌شود؛ شاخص عنصری زبانی به حساب می‌آید که مقید به بافت موقعیتی بوده و به مکان، زمان یا شخصی اشاره دارد که از طریق بافت موقعیتی قابل درک است و شاخص اجتماعی عنوان و لقبی است که به اقتضای موقعیت افراد انتخاب می‌شود.» (صفوی، ۱۳۸۴: ۱۶۷):

شاخص مکان	شاخص زمان	شاخص شخص
خراسان-مصر-سبا-یمن-مرو-عراق-مداین-کوفه-مکه-جرجار-بغداد-دمشق-شام-یمن-ولایت جزیره-حجاز-فارس-مدینه-سرخس-مصر-دیالمه-شیراز-مشهد-خوزستان-ممالک شرقی-ولایت غربی-سیستان-نیشابور-ممالک ایران-روم-سبزواری-انطاکیه-سمرقند-بصره-هرات-کرمان-	صبح-شام-ایام-لیالی-شبهور-بامدادان-همان ساعت-صبح-فردا-دیروز-لیل-نهار-شب-لیالی جمعه-شهر رمضان-غروب-یک هفته-دی-بامداد-پگاه-چاشت-ایام جمعه-	برمک (لقب جعفر پدر خالد)- ذوالریاستین (فضل بن سهل)- طباطبا (محمد بن ابراهیم بن حسن بن حسن بن علی بن ابی طالب) - المتوکل علی الله (جعفر بن المعتصم)- المرئضی بالله (عبدالله بن معتز) - رئیس الرؤسا (عمیدالدوله ابوطالب) محمد بن سلمه- امین الدوله مجدالوزراء (ابوالفتح منصور بن داراسب الشیرازی)- حسنک میکال (ابوعلی حسن بن محمد)- بدقاق و بتمربالیغ (پدر سلجوق) و ...

جدول شمارهٔ ۲- شاخص‌ها در دستورالوزراء

در بررسی شاخص‌های موجود در متن **دستورالوزراء** آنچه بیشتر به چشم می‌آید، بهره‌یابی از عناوین و القاب درباری و دیوانی و نیز ذکر انساب برای اشخاص، یا به اصطلاح شاخص‌های شخص است. خواندمیر در ذکر نام اشخاص بیشتر از القاب درباری بهره می‌جوید و این امر نشانگر اعتنای بیشتر مؤلف به شاخص‌های قدرت درباری است، شاخص‌های شخص یا القاب و عناوین نشان می‌دهد که چگونه واژگان در پی استیلا و اعتبار بخشیدن به مناصب و مناسبات دیوانی است. این نوع شاخص‌ها، به متن رسمیت بیشتری می‌بخشد. این دسته از شاخص‌ها، در متون سیاسی و تاریخی عصر تیموری بیشتر از متون دوره‌های پیش دیده می‌شود که می‌تواند یکی از مهم‌ترین نشانه‌های سیاسی و فرهنگی موجود در این متن و متون هم‌عصر آن، در اعتلا بخشیدن به دیوان‌سالاری و جایگاه وزارت در رده‌های حکومتی به‌شمار آید. «چیز تازه‌ای که در این عصر می‌بینیم، القاب و عناوین و پرچانگی‌هایی است که مؤلفین اخیر تیموری معمول می‌دارند.» (بهار، ۱۳۷۷: ۲۰۸/۳). القاب و عناوین به صورت مدح و ذم، هر دو، به کار رفته است؛ القاب ستایش‌آمیز، از آن حکومت‌گران و حامیان آنان و القاب مذمت‌آمیز، مخصوص جبههٔ مخالف حاکمان و حامیان ممدوح مورخ است:

«خواجه عتیق‌الله، پدرش مولانا صبرالدین محمد پسر جناب شریعت‌ایاب فضیلت‌پناه، مولانا حمیدالدین عتیق‌الله بود و آن جناب در زمان خاقان عالی‌مکان شاهرخ سلطان، در دارالسلطنه هرات به امر احتساب قیام می‌نمود و مادرش در سلک احفاد خواجه شرف‌الدین حاجی انتظام داشت.» (خواندمیر، ۱۳۵۵: ۴۴۴-۴۴۵).

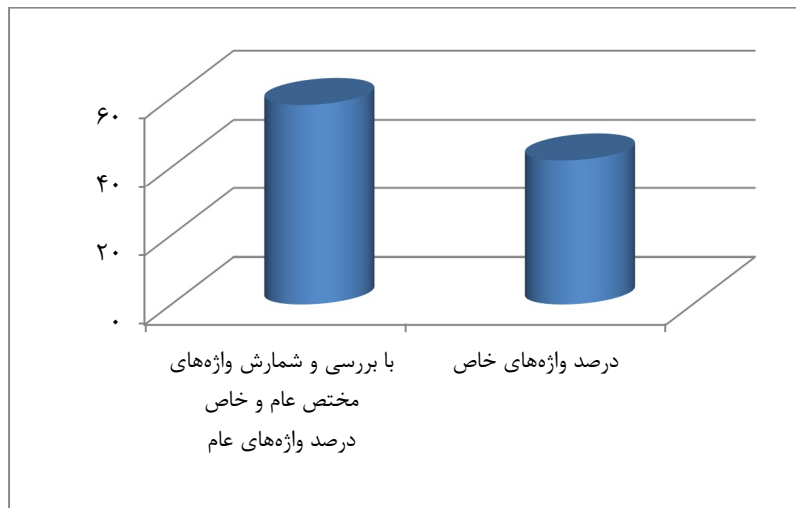
۴-۱-۲ واژه‌های خاص و عام

هر چقدر که نویسنده در نوشتار خود از واژگان خاص تر بیشتر بهره می‌جوید، اطلاعات بیشتری دربارهٔ امری که از آن سخن می‌گوید، در اختیار مخاطب می‌نهد، مکث بیشتری در جریان گزارش موقعیت، بافت و متن اتفاقات پیش می‌آید و به تصویری تر شدن ادراک متن کمک می‌کند؛ اما عام بودن واژگان بیانگر کلی‌نگری مؤلف است و نشان می‌دهد که هدف او از روایت متن، نه در گزارش واقعات بلکه در نتایج آن است. ذهنیت عبرت‌اندیش و نتیجه‌گرای خواندمیر در گرایش وی به گزینش واژگان عام قابل دریافت است. وی جز در موضوع اعلام اشخاص و امکان، در سایر موارد واژه‌های عام را ترجیح می‌نهد و چندان روی جزئیات روایت و تبیین حوادث مکث نمی‌نماید؛ اگرچه کلام خواندمیر مطن است، اما جز در معرفی اشخاص، در بقیهٔ

موارد روایت تاریخی، درنگ کمی می‌کند و سریعاً از جریانی به جریان دیگر می‌گذرد: «در علم حساب و استیفاء سرآمد وزرای عراق عرب بود و پدرش خواجه حاجی محمود در زمان شاهرخ میرزا به لوازم منصب استیفاء قیام می‌نمود و خواجه برهان‌الدین عبدالحمید در زمان سلطان سعید میرزا سلطان ابوسعید از دارالامان کرمان به ولایت خراسان آمده، منظور نظر عنایت گشت و سلطان سعید کمال وقوف و کاردانی او را دانسته، خواجه را صاحب توجیه دیوان اعلی گردانید و به اندک زمانی خواجه برهان‌الدین نزد آن حضرت راه سخن یافته و ...» (خواندمیر، ۱۳۵۵: ۳۷۸).

واژه‌های خاص	واژه‌های عام
اسم اشخاص (مثال بزرگمهر-آزادسرو-آصف‌بن برخیا- کسری)-آسمان-سپهراخضر-اسم شهرها (مدینه- فارس-شیراز-مرو-مکه و ...)-صرع-قولنج-معجون مترودیپوس-اسامی کتاب (رسالة قضا و قدر-حکمت مشرقی-حکمت عرشیه-رساله در شعر- مختصر اوسط در منطق-رسالة شرفیه)-اسم قلعه‌ها (گردکوه-دزکوه-قاهره-ایلال-سیرجان-التجق-روئین دژ)-نام رودخانه‌ها (آب سیحون-آب آمویه-جیحون-آب هیرمن)-مسجد عتیق-حاکم‌ماچین-سه گنبدان مراغه-دارالعبادة یزد-بیستون-	رای-عدالت-جاه-نهاد-ملکه-حکمت-شبهستان-غلام-ختر-خانه-پدر-فرش-کنیزک-دعا-جواب-مدح-احسان-نام-منزل-کاشانه-کوچه-قصیده-شکار-فرمان-تاریخ-فقیر-حکایت-شغل-مزار-خلعت-نگار-منظر-برات-اصطبل-جنگ-مطبخ-بخار-کاخ-رفتار-عهد-نییره-قیام-عمارت-عقیدت-امان-نامه-دیوار-حسد-دره-کوتوال-شغل-زندان-لاغر-حیله-بجر-حصار-معامله-فغان-پرده-کار-حکایت-زینت-داد-آش-طبق-حرام-خانه-خرج-مزرعه-عضو-قطعه-سخن-تیغ-دریا-اسم-مبلغ-دینار و ...

جدول شماره ۳- واژگان عام و خاص در دستورالوزراء



نمودار شماره ۱- توزیع فراوانی واژه‌های عام و خاص در دستورالوزراء

۴-۱-۳ واژه‌های حسی و ذهنی

واژگان ذهنی، یعنی هر آن واژه که بر عقاید، کیفیات، معانی و مفاهیم ذهنی دلالت دارند، انتزاعی‌اند و متن را به سمت انتزاعی شدن و عدم وضوح و شفافیت پیش می‌برند؛ اما واژگان حسی، بر وضوح متن می‌افزایند. در دستورالوزراء غلبهٔ واژگان حسی بیش از واژگان ذهنی است و نشان‌دهندهٔ صراحت و آشکارایی نیت مؤلف در گزارشگری تاریخ و گفتمان ایدئولوژی است:

«در آن اوقات که میان سلطان برکیارق و سلطان محمد، نایرهٔ خلاف و جدال اشتعال داشت احمدبن عبدالملک عطاش که از جملهٔ ملاحظه بود در اصفهان خلق را خفیه بدان مذهب باطل کرد و بسیاری از اصفهانیان را فریفته ساخت و به بهانهٔ معلمی، کودکان خود را به قلعه‌ای که سلطان محمد در نواحی اصفهان ساخته بود و آن را دزکوه می‌گفتند انداخت و اکثر اهل قلعه را با خود متفق گردانید و در آن وقت که سلطان محمد به دارالسلام بغداد رفته بود کار احمد بالا گرفته، به اظهار مخالفت سلطان مبادرت نمود و در همان قلعه متحصن گشت و چون سلطان از بغداد باز آمد در محاصرهٔ دزکوه و تضییق ملاحظه مبالغهٔ تمام فرمود و مدت محاصره چندسال امتداد یافته، ذخیرهٔ قلعه را باتمام رسانید» (خواندمیر، ۱۳۵۵: ۱۸۳).

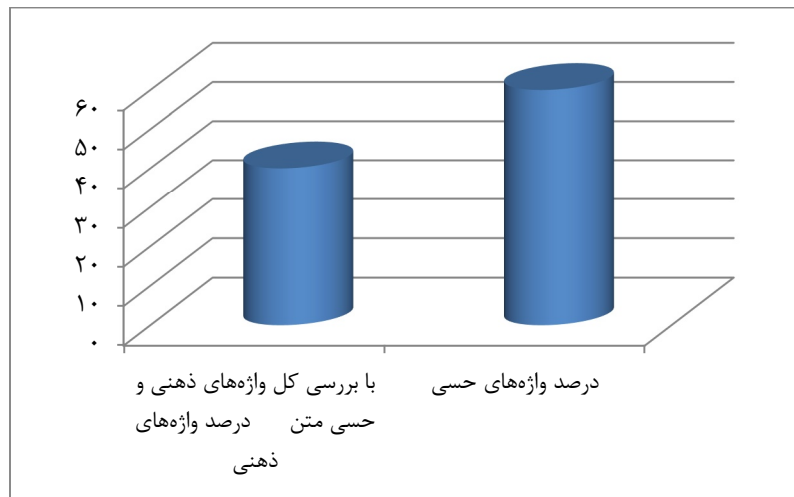
واژه‌های حسی	واژه‌های ذهنی
بحر-خاک-عنبر-سم-میوه-طلبه-دست-جام-	انوار-فهم-تدبیر-ضمیر-رویا-باطن-اندوه-علم-
کاسه-نقاب-سلاح-تیغ-تخم-یاقوت-دست-گنج-	خواب-طلب-خاطر-اکرام-سخن-آمال-صدق-اقبال-
طعام-جام-	احوال-راغب-مایل-قهر-تضع-اراده-غضب-متانت-
جوال-لحظه-چنگ-انگشت-خم-جبین-لوازم-	پیشانی-اضطراب-رؤیای صالحه-سیرت-عقیدت-
دینار-تن-منشور-نقاره-تحف-اجناس-شمشیر-زر-	فضل-کمال-اعزاز-کرام-ظن-غرور-نخوت-آواز-
زبان-پنبه-موزه‌های سرخ-ظرف-انگشتی-فلس-	تأمل

جدول شمارهٔ ۴-واژه‌های حسی و ذهنی در دستورالوزراء

اما تعداد واژگان ذهنی مربوط به معارف دینی و یا معقولات اخلاقی و ادراکی نیز در متن دستورالوزراء قابل توجه است؛ لیکن این کلمات به جهت نقش زیربنایی که در فرهنگ و اعتقادات مخاطب دارند، بسیار برای او آشنا به نظر می‌رسند و از نوع رمزگان یا استعارات پیچیدهٔ انتزاعی که موجب ابهام یا ذهن‌گرایی متن شوند، نیستند؛ بیشترین سهم از واژگان ذهنی در متن دستورالوزراء، در بخش مربوط به دلالت‌های اخلاقی و حکمی جای دارد و برگرفته از باورهای

مذهبی و اعتقادی اوست:

«خوشا صاحب سعادت که هرگز غبار محبت جاه و حشمت بر دامن همت ننشاند و آستین ملال بر اسباب دولت و اقبال سریع الانتقال افشاند... و نفس نفیس را از طی مسالک جور و طغیان به قدر امکان دور سازد. از متاع جهان قلیل الانتفاع بدان چه ناگزیر مردم درویش و فقیر است، قناعت نماید و جهت استمتاع از کثرت اموال و اجتماع اسباب جاه و جلال به اقدام سعی و اهتمام طریق ملازمت نیماید.» (خواندمیر، ۱۳۵۵: ۴۳۲).



نمودار شماره ۲- توزیع فراوانی واژه‌های ذهنی و حسی دستورالوزراء

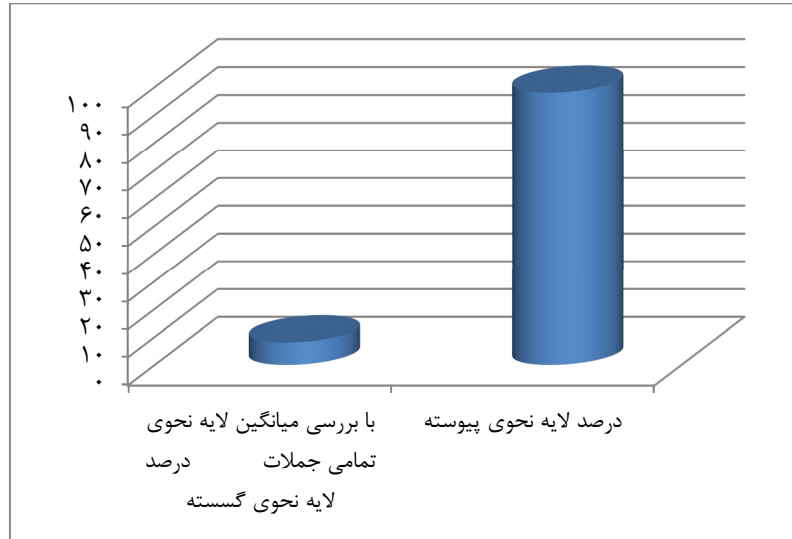
۲-۴- تحلیل بازنمود ایدئولوژی در لایه نحوی دستورالوزراء

گذشته از واژگان یک متن، روابطی که بر نحو آن حاکم است نیز گفتمان ایدئولوژیکی اثر را بازتاب می‌دهد. منظور از بررسی نحوی، بررسی قواعد حاکم بر شیوه ترکیب واژگان و شکل گرفتن جمله‌ها در یک زبان است. در این کاربرد نحو در برابر صرف (تکواژشناسی یا دانش ساخت واژه) قرار دارد. در برخی از دیدگاه‌ها نحو از بررسی کیفیت چینش واژگان و رابطه آن‌ها با دیگر عناصر جمله فراتر می‌رود و علاوه بر بررسی طول جمله‌ها در سطحی بالاتر به بررسی رابطه جمله‌ها با هم نیز می‌پردازد (فتوحی، ۱۳۹۱: ۲۶۹). در سطح نحوی، عناصر نحوی بارزی در متن مورد تحلیل قرار می‌گیرند؛ عناصری از قبیل لایه نحوی گسسته و پیوسته (وابسته)، ساده و مرکب بودن جملات، صدای نحوی، وجهیت، قطعیت و...

۴-۲-۱- سبک گسسته و پیوسته

بررسی بلندی جملات (سبک پیوسته) یا کوتاهی آن (سبک گسسته) تأثیر بسیاری در دریافت‌های ایدئولوژیکی از متن دارد، بدین دلیل که «می‌توان از رهگذر بررسی بلندی و کوتاهی جمله‌ها، ساخت اندیشه و سبک و حالات روحی گوینده را تحلیل کرد؛ زیرا طول جملات نسبتی با میزان درنگ و تأمل گوینده در یک واحد فکری دارد» (همان، ۲۷۵). در بحث از لایه نحوی ایدئولوژیک متن، عناصری چون زمان فعل و وجوه آن، صفت‌ها، قیدها، تغییر جایگاه نهاد و گزاره، تأکیدها، مترادفات و هرآنچه که در محور هم‌نشینی کلام نقشی ایفا می‌کند، قابل بررسی و واکاوی است و می‌تواند بیانگر نگرش خاصی از جهان‌بینی اثر باشد؛ اما چیزی که در وهله نخست و در یک نگاه اجمالی به متن، مخاطب را متوجه خود می‌کند، نحوه کاربرد جملات متن است: «نباید این نکته را از یاد برد که طول جمله نسبتی با میزان درنگ و تأمل گوینده در یک واحد فکری دارد» (دلبری و مهری، ۱۳۹۴: ۷۲). در دستورالوزراء، جملات بلند و پیوسته، سبک متن را تحت تأثیر قرار داده است. به طوری که در این اثر در بیشتر جملات، درازگویی و اطناب مشاهده می‌شود؛ مؤلف سبک خود را بر نحو پیوسته (جملات بلند و معطوف و لاینقطع) بنا نهاده است و نحو گسسته (جملات کوتاه و مقطع) در این اثر کم‌تر به چشم می‌خورد. نویسنده، با جملات معطوف و با کاربرد تصویرگری بیانی و آراستن عبارات به انواع آرایش‌های لفظی و معنوی -همچون مراعات‌النظیر، تضاد، انواع سجع و جناس و...- و صورت‌های خیالی نظیر تشبیهات، استعارات و کنایات بر طول جملات افزوده است. جملات طولانی‌تر نقش توجیه‌گری و میل به اقناع مخاطب از جانب مؤلف را در متن به نمایش می‌گذارد؛ طولانی بود جملات، علاوه بر نشان دادن تأکید بیشتر نویسنده بر معنای منظور، به جهت بهره‌یابی از ابزارهای زبانی-ادبی که پیش‌تر ذکر شد، بر ادبیت متن دستورالوزراء نیز افزوده است:

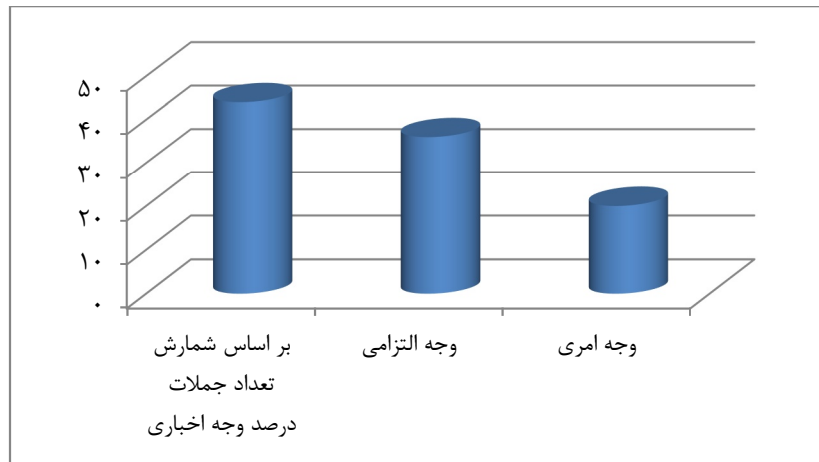
«خواجه عمادالاسلام به صفت حلم و سلامت نفس و کم‌آزاری و رعیت‌پروری موصوف و معروف بود و به شرب مدام و مصاحبت جوانان سیم‌اندام بسیار اشتغال می‌نمود و همواره لب بر لب جام ارغوان رنگ و گوش بر آواز دف و چنگ به سر می‌برد و پیوسته به‌آیین آینه، روی در روی گلرخان فرشته‌خوی و سروقدان بنفشه موی می‌آورد» (خواندمیر، ۱۳۵۵: ۴۳۲).



نمودار شماره ۳- توزیع فراوانی گسستگی و پیوستگی در لایه نحوی

۴-۲-۳- وجهیت^۷ متن

تحلیل وجهیت نحو یک متن، ابزار مؤثر دیگری است برای اندازه‌گیری میزان تعهد و التزام گوینده در قبال آنچه می‌گوید؛ وجهیت نحوی نشان می‌دهد که واکنش مؤلف در قبال پایبندی به واقعیت یک گزاره از چه نوع است: اعتماد و باور کامل، شک و تردید، تمنا و آرزو و یا تحکم و اجبار. وجه کلام، در یک گفتمان، قادر است نوع مناسبات قدرت و ایدئولوژی را به تماشا بگذارد. وجهیت کلام در ابعاد اخباری، التزامی، تمنایی، معرفتی و عاطفی قابل رهجویی است (فتوحی، ۱۳۹۱: ۲۸۴-۲۹۵)؛ در متن دستورالوزراء، از جنبه وجهیت، غلبه با وجه اخباری است یعنی همان وجهی که از التزام و باور کامل مؤلف به گزاره‌های گفتمانی مشخص-نظیر تعهد کامل به مناسب قدرت و پایبندی به باور مذهبی و انگاره‌های عبرت‌آموز و نیز معاندندیشی وی-نشئت یافته است. وجه التزامی و امری در درجات بعدی وجهیت نحوی کتاب **دستورالوزراء** قرار می‌گیرند.



نمودار شماره ۴- توزیع فراوانی وجهیت در دستورالوزراء

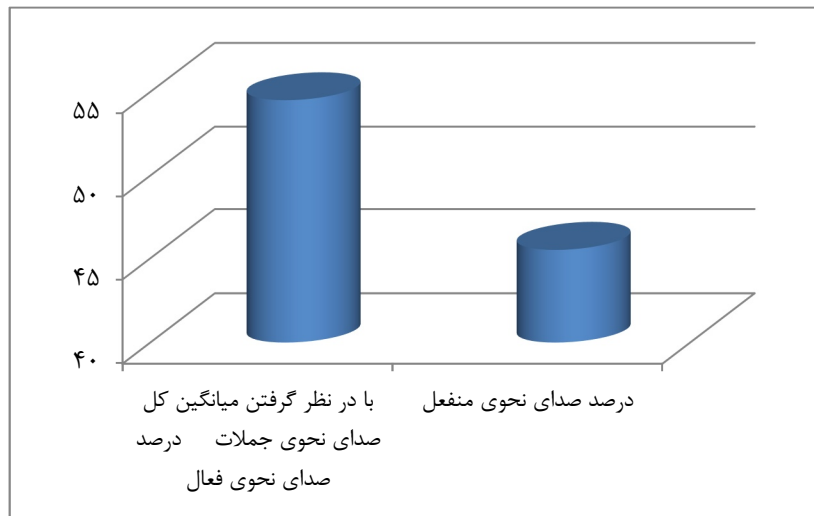
«لاجرم بعد از اندک زمانی از عمال بر وی تقریر کرده، انواع تصرف و تقصیر ثابت ساختند و خواجه از آن شغل معزول گشت» (خواندمیر، ۱۳۵۵: ۳۷۲). «... و بنا بر آن که میرزا شاهرخ شنیده بود که وکلای امراء، خصوصاً گماشتگان امیر فیروزشاه در ولایت بلخ تصرف و تقلب بسیار دارند، در وقت اجازت، سید عمادالدین محمود را فرمود که: محاسبات سه ساله آن ولایت را در حضور میرزا چوکی که در آن سال آنجا قشلاق می‌کرد، مفروغ گرداند و...» (همان، ۳۶۲ و ۳۶۳). همچنان که از مثال‌های فوق برمی‌آید، مؤلف در روایت حوادث، وجه اخباری را هم برای افعال و هم در سطح جمله، برای ارکان دیگر جمله، از جمله قیود (لاجرم، در وقت...) که نقش بسزایی در تعیین وجه جمله و متن دارند برگزیده است؛ این امر ناظر بر قطعیت متن و تکیه مؤلف بر نظام باورهای خود است.

۴-۲-۴- صدای دستوری^۸

صدای دستوری یکی از بازتاب‌دهنده‌های اندیشه و ایدئولوژی در زبان و سبک متن است. صدای دستوری رابطه میان رخداد فعلی با سایر شرکت‌کنندگان در آن فرایند فعلی (فاعل، مفعول و...) را نشان می‌دهد. متنی که با فعل متعدی در جمله معلوم تولید می‌شود و فاعل، کننده کار است، صدای فعال دارد؛ اما جمله‌های مجهول با فعل‌های لازم و گذرا، جمله‌های اسمیه (با افعال ربطی مانند است، بود، شد، گشت و گردید)، جمله‌های بی‌فعل و شبه‌جمله، همگی صدایی منفعل و پذیرش‌گرند (فتوحی، ۱۳۹۱: ۲۹۶).

نویسنده دستورالوزراء همراه با قطعیت و جزمیت نحوی متن و نیز شفافیت و صراحت موجود در واژگان، از صدای دستوری فعال بیشتر از صدای منفعل یاری گرفته است تا منظوره‌های ایدئولوژیکی خود را علنی تر سازد. در متونی با گفتمان اقتدارگرا که قدرت به‌مثابه یک باور مقدس و ایدئولوژیکی حضوری فعال دارد، بهره‌مندی از صدای دستوری فعال، نشان‌دهنده آن است که نویسنده به دنبال قطعیت و جزمیت بیشتر گزاره‌های روایی خود است و همراه کردن نام مسندالیه با واژگان نشان‌دار و وجه اخباری، منظور او را در تقویت جانب خودی و تحقیر و تضعیف سوئیۀ دیگری مخالف مقدور می‌سازد:

«سلطان ابوسعید فرمود که: هر چه گرفته‌ای و صرف نموده‌ای به تو بخشیدم و ترا از امر وزارت معزول گردانیدم، زیرا که گاهی چنان واقع می‌شود که وزراء به غضب من گرفتار می‌شوند و من نمی‌خواهم که آسیبی به تو رسانم. خواجه شمس‌الدین محمد زانو زده، قدمی چند پیش رفت و انگشت از انگشت بیرون کرده بر گوشۀ تخت نهاد و بازگشته به جای خود بایستاد و در هیچ کجای تاریخ، مذکور نیست که وزیری باین سهولت عزل شده باشد» (خواندمیر، ۱۳۵۵: ۳۶۹).



نمودار شماره ۵- توزیع انواع صدای نحوی در متن دستورالوزراء

۳-۴- بازنمایی ایدئولوژی در لایه بلاغی دستورالوزراء

صناعات بلاغی محتوای ایدئولوژیکی متن را مؤکدتر می‌سازند و نویسنده ایدئولوژیست جهت تقویت معانی مورد نظر خود مثل توجیه‌گری، استدلال، اقناع مخاطب و یا انتقاد، از ابزار بلاغی

بهره می‌جوید. جز این، استفاده از صنایع بلاغی منظوره‌های ثانوی نظیر بزرگ‌نمایی، تحقیر، تخفیف، مبالغه، حسن تعبیر، کنایه، تهکم و امثال آن را در متن وارد می‌کند که در جهت‌گیری‌های گفتمانی و ارزش‌گذاری‌های ایدئولوژیکی تأثیر به‌سزایی دارد.

سبک خواندمیر، به جهت بهره‌مندی از ابزار بلاغی، سبک تشبیهی است؛ در متن دستورالوزراء، نویسنده، علاوه بر منظوره‌های بلاغی و قدرت‌نمایی در وادی ترسل و نویسندگی، برای تحکیم مبانی فکری و سیاسی مورد نظر خود، به فراوانی از ابزارهای زبانی-بلاغی استفاده می‌کند. این صناعات در کنار تقویت معانی فکری موجود در متن تاریخی، همچنان که پیش‌تر نیز اشاره شد، بر ادبیت متن تاریخی افزوده است و علی‌الخصوص قاطعیت در مدح ممدوحان و موافقان و ذم مخالفان را تحکیم بخشیده؛ به چند نمونه از تصاویر بلاغی موجود در متن دستورالوزراء و القای اندیشگانی تصاویر اشاره می‌شود:

تشبیه، استعاره و کنایه به منظور تحقیر دشمن و نشان دادن نهایت کوچکی او در مقایسه با قدرت متبوع مؤلف:

«فرمان داد که: فخرالدین را چون مرغ بر سیخ کشیده، بر آتش گردانند و منهیء این خبر محنت‌اثر به‌سمع فخرالدین رسانیده، مشارالیه مانند خفاش از نور آفتاب بگریخت و در گوشه‌ای پنهان شده، ...» (خواندمیر، ۱۳۵۵: ۲۳۵).

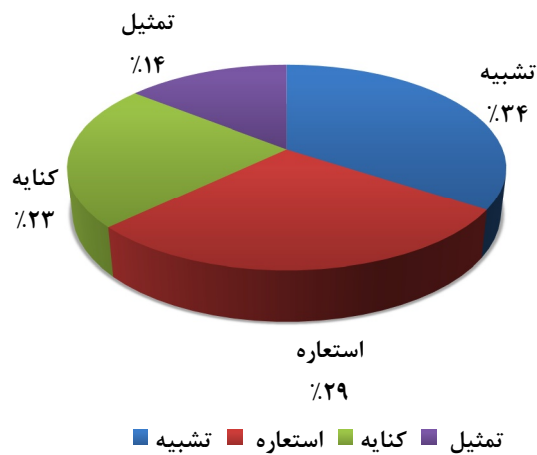
«... و چون دیده دولت محمدبن غیلان به میل نکبت مکحل گشت ...» (همان، ۹۰).

ابزار بلاغی به منظور تبیین مفاسد و مقابح مخالفان:

«به‌واسطه شرارت آن سرخیل ارباب خباثت، دود از دودمان‌ها برآمد و چندین خاندان‌ها به آتش جور و بیداد سوخته شد... بیشتر به اشتعال نایره ظلم و عدوان اشتغال نمود و از کثرت جور و بیدادش، فریاد از نهاد عباد برآمد و از وفور فتنه و فشار او افغان از جان طوایف انسان به گوش ساکنان هفتم آسمان رسید» (همان، ۴۵۵).

و چند تصویر بلاغی در مقام بزرگداشت اصحاب قدرت و ممدوحان نویسنده:

«اگر سحاب مرحمتش در این اوقات سایه بر فرق ساکنان دیار خراسان نینداختی، وجود امثال ما خاکساران در آفتاب حوادث بسوختی و اگر آفتاب عاطفتش در این ایام از افق عدالت و احسان طلوع نمودی متاع زندگانی سرگشتگان وادی پریشانی در ظلام ظلم و عدوان مفقود بودی» (همان: ۷)؛ و «از شمیم عدل و انصافش مشام جان جهانیان معطر گشت و نسیم لطف و احسانش نهال آمال اهل فضل و کمال سرسبز و بارور شد» (همان: ۱۵۳).



نمودار شماره ۶- توزیع فراوانی عناصر بلاغی در متن دستورالوزراء

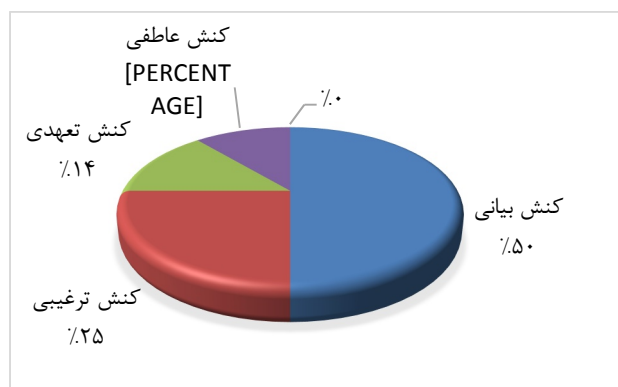
۴-۴- لایه کاربردشناسی^۹

در لایه کاربردشناسی به بررسی چگونگی ارتباط نویسنده با مخاطب در لایه‌های زیرین متن پرداخته می‌شود. آنچه در بخش کاربردشناسی بیش از سایر مسائل مورد توجه سبک‌شناسی انتقادی قرار می‌گیرد، توجه به نوع نظام‌های گفتمانی موجود در متن است. نظام گفتمانی غالب بر متون تاریخ‌نگار از نوع دستورالوزراء اغلب از نوع نظام گفتمانی کنشی هستند که در آن‌ها سه واژه کلیدی کنش، ارزش و تغییر برای تبیین هر چه بهتر نظام روایی مورد استفاده قرار می‌گیرد. در گفتمان‌های کنشی، با ابژه‌های ارزش‌محور مواجهیم که کنشگرانی در پی تصاحب آن‌ها هستند. (شعیری، ۱۳۹۵: ۱۹-۲۷). در گفتمان ایدئولوژیستی و قدرت‌محور، ارزش از آن صاحب ایدئولوژی و قدرت است که قصد حفظ، اشاعه و یا تبلیغ و صدور آن را دارد. بدین جهت در این نوع نظام‌های گفتمانی، کنشگر اغلب دارنده و مدعی ارزشی است که با توجیه و دلالت بر آن، تمایل دارد دیگران را نیز به سمت آن ارزش جذب نماید. چنین نظام گفتمانی در متن دستورالوزراء خواندمیر نیز قابل پیگیری است. در این نظام گفتمانی، همچنان که در نمودار مربوط به این بخش مشخص شده است، از میان انواع کنش‌های گفتمانی، پس از کنش بیانی یا تصریحی و اظهاری^{۱۰} (تولید عبارات و جملات معنادار به منظور بیان یک واقعه یا گزارش یک فرایند) - که در تاریخ‌نویسی و هر نوع روایت دیگر، به گونه ذاتی بیش از دیگر کنش‌ها کارکرد دارد - به شکل معنی‌داری غلبه با کنش تأثیری یا ترغیبی^{۱۱} است؛ در این کنش گوینده می‌کوشد

تا مخاطب را به انجام کار یا پذیرش امری با خود همراه و هم‌رأی سازد؛ بنابراین می‌توان نظام حاکم بر گفتمان دستورالوزراء را در گفتمان کنشی-ترغیبی دسته‌بندی نمود؛ در مثال زیر کنش ترغیبی (۱- محق بودن جانب امیرعلی شیر نوایی و ۲- محکوم به شکست بودن بدخواه این حکومت ۳- تبلیغ مناسبات قدرت و اخلاق مذهبی) در نظام گفتمانی دستورالوزراء عیان است:

«و معتمدالسلطنه با وجود این افعال حمیده و اعمال پسندیده به غایت تندخوی و درشت‌گوی بود و به اندک چیزی، غضب بر مزاجش استیلا یافته، زبان به فحش و دشنام می‌گشود و اگرچه به حسب ظاهر، نسبت به امیر ستوده‌مآثر، نظام‌المله و الدین، امیرعلیشیر نوایی شرایط ملایمت و ملازمت به‌جای می‌آورد، اما به هنگام فرصت، زبان به غیبت گشاده، نزد حضرت اعلی، آن جناب را به کثرت دخل و امور نامناسب منسوب می‌کرد... و سایر امرا و ارکان دولت را همواره به کلمات شتی می‌رنجانید و اثر بدزبانی او به اکثر طوایف انسان فراوان می‌رسید... بنابراین اکثر امرا و ارکان دولت کمر عداوتش بر میان جان بستند و در کمین‌گاه قصد و مکر منتهز نشستند... اعدا فرصت یافته، در خلا و ملا نزد حضرت اعلی او را به معایب واقع و غیرواقع منسوب ساختند... لاجرم به حکم «من یسمع یخل» مزاج شهرباری بر او تغییر کرد... روز دیگر که داخل ایام جمعه بود، بعد از ادای نماز میان خوف و رجا به باغ جهان‌آرا رفته، فی‌الحال مؤاخذ و مقید گشت... و او را از دارالسلطنه هرات بلکه از ممالک خراسان آواره گردانیدند» (خواندمیر، ۱۳۵۵: ۴۰۷-۴۱۲).

در درجات بعدی کنش‌های گفتمانی در لایه کاربردشناسی متن **دستورالوزراء** باید به کنش تعهدی^{۱۲} (ایراد تعهد، سوگند و قول در تأکید انجام عمل) نیز اشاره کرد.



نمودار شماره ۷- توزیع فراوانی کنش‌های گفتمانی در دستورالوزراء

۵- نتیجه‌گیری

این تحقیق در پی آن بود که نحوه بازنمایی ایدئولوژی را در لایه‌های سبکی کتاب **دستورالوزراء**، به عنوان نمونه‌ای از وزارت‌نامه‌نویسی - که خود زیرمجموعه سیاست‌نامه نویسی است - بازجوید؛ خواندمیر، _مثنی دربار و مورخ تحت حمایت برخی از حاکمان دوره تیموری و صفوی_، همچون بسیاری دیگری از هم‌پیشه‌گان مثنی و مورخ خود در این عهد، در تاریخ‌نویسی، تابعی از گفتمان قاهر سیاسی زمانه خودش است؛ خواندمیر در نقل واقعات عصر خود _اگرچه در روایت متن پایبندی بسیاری به تقدیر الهی و مقیدات مذهبی و اخلاقی اظهار می‌دارد_ هیچ سستی در حفظ مقام دیوانی و دارندگی امتیاز حمایت مخدومان و ممدوحان ننموده است؛ خواندمیر همواره جانب حاکمان متبوع خود را رعایت نموده و مخالفان را ظالم و گناه‌کار و منفور اولیای دینی و محکوم به شکست می‌داند. بدین جهت در نظام گفتمانی خواندمیر، ارزش‌های ایدئولوژیکی به نحو بارزی در تسلیم‌بودن بی‌قید و شرط به مذهب و قدرت حاکمیتی تعریف می‌شود؛ نتایج حاصل از بررسی لایه‌های سبکی متن دستورالوزراء نیز مؤید این نکته است:

۱- خواندمیر در لایه واژگانی با بهره‌مندی از شاخص‌های شخصی که اغلب القاب و انساب دیوانیان است، اعتبار و رسمیت خاصی به مناصب حکومتی در تاریخ‌نویسی خویش بخشیده است؛ همچنین در این بخش با گزینش از میان نشانه‌های مذهبی، تقید شخصی و حکومتی خود و حکام ممدوح معاصرش را به مناسک و ظواهر دینی جابه جای متن ابراز داشته است. غلبه واژگان عام بر خاص و حسی بر ذهنی نیز بر وضوح گفتمانی متن افزوده است.

۲- در لایه نحوی، مؤلف با گزینش سبک پیوسته، راه را برای بیان معیارهای مورد توجه خود هموار نموده است. آنچه پیش از همه در لایه نحوی دستورالوزراء به تبیین مبانی ایدئولوژیکی نویسنده یاری رسانده است، بهره‌گیری از وجه اخباری در اغلب لایه نحوی اثر است. وجهیت اخباری، صراحت و قطعیت مؤلف را در باورداشت‌های ایدئولوژیکی نشان می‌دهد؛ همچنین در این لایه، مؤلف با انتخاب صدای دستوری فعال، صریح و آشکارا ارزش‌های اندیشگانی خود را ابراز می‌دارد.

۳- در لایه بلاغی، تشبیه بر سایر ارکان بلاغی پیشی دارد؛ تصاویر بلاغی فراوان موجود در متن **دستورالوزراء**، نخست به منظور قدرت‌نمایی مؤلف در عرصه انشاء و در مرحله بعد به منظور تقویت جنبه‌های ایدئولوژیکی متن، نظیر فرادستی و مقبولیت ممدوحان و غیریت و حقارت مخالفان به کار رفته است.

۴- در لایه کاربردشناسی و در نظام گفتمان کنشی خواندمیر، کنش‌های بیانی و ترغیبی، از اولویت معناداری برخوردارند؛ خواندمیر با روایت کنش‌مند ترغیبی در متن دستورالوزراء، علاوه بر تلقین باورداشت‌های ایدئولوژیکی خود در متن، ارزش‌های مذهبی و سیاسی مد نظر خود را به معرض نمایش می‌گذارد.

پانوشتها

- | | |
|--------------------------------|------------------------|
| 1. Critical Discourse Analysis | 2. Critical stylistics |
| 3. Ideology | 4. code |
| 5. Semiotics | 6. Deixis |
| 7. Modality | 8. Grammatical voice |
| 9. Pragmatics | 10. Assertive |
| 11. Directives | 12. Commisive |

منابع

- آشوری، داریوش، (۱۳۸۰). **دانشنامه سیاسی**، تهران: انتشارات مروارید.
- آقاگل‌زاده، فردوس (۱۳۸۹). **تحلیل گفتمان انتقادی**، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- باختین، میخائیل (۱۳۸۷). **تخیل مکالمه‌ای: جستارهایی دربارهٔ رمان**، ترجمهٔ رویا پورآذر، تهران: نشر نی.
- بهرام‌پور، شعبانعلی (۱۳۷۹). **گفتمان و تحلیل گفتمانی**، مجموعهٔ مقالات، به کوشش دکتر محمدرضا تاجیک، تهران: فرهنگ گفتمان.
- جان‌احمدی، فاطمه، (۱۳۸۸). **تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی**، قم: دفتر نشر معارف.
- حیدر، منصوره (۱۳۸۴). «نظریهٔ سلطنت در حکومت تیموریان»، در کتاب **تیموریان**، ترجمهٔ یعقوب آژند، تهران: مولى.
- خواندمیر، غیاث‌الدین بن همادالدین محمد (۱۳۵۵). **دستورالوزراء**، به کوشش سعید نفیسی، تهران: اقبال.
- _____ (۱۳۷۲). **مأثر الملوك**، تصحیح میرهاشم محدث، تهران: رسا.
- _____ (۱۳۸۰). **حبيب السیر**، به کوشش محمد دبیرسیاقی، ۴ جلد، تهران: خیام.
- درپر، مریم، (۱۳۹۲). **سبک‌شناسی نامه‌های غزالی با رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی**، تهران: انتشارات علم.
- دلبری، حسن، مه‌ری، فریبا، (۱۳۹۴). «کارکرد ایدئولوژی در لایه‌های سبکی داستان حسنک وزیر»، **متن‌شناسی ادب فارسی**، دوره‌ی جدید، شماره ۲، صص ۶۳-۷۸.
- روشنفکر، کبری و اکبرزاده، عاطفه (۱۳۹۰). «تحلیل گفتمان انتقادی خطبهٔ فدک حضرت زهرا»، **منهاج**، سال ۷، شماره ۱۲، صص ۱۲۵-۱۴۵.
- سابتلنی، ماریا (۱۳۸۴). «فرهنگ‌دوستی و هنرپروری تیموریان و مبانی اقتصادی آن»، در کتاب **تیموریان**، ترجمهٔ یعقوب آژند، تهران: مولى.
- سارتر، ژان. پل، (۱۳۴۸). **ادبیات چیست؟** ترجمه ابوالحسن نجفی و مصطفی رحیمی، تهران: نشر زمان.

- سجادی، سید صادق و عالمزاده، هادی (۱۳۹۵). **تاریخ‌نگاری در اسلام**، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- سجودی، فرزانه، (۱۳۸۷). **نشانه‌شناسی کاربردی**، تهران، انتشارات علم.
- سلطانی، علی‌اصغر، (۱۳۸۴). **قدرت‌گفتمان و زبان: سازوکارهای جریان قدرت در جمهوری اسلامی ایران**، تهران، انتشارات نی.
- شعیری، حمیدرضا (۱۳۹۵). **نشانه-معناشناسی ادبیات**، تهران: انتشارات دانشگاه تربیت مدرس.
- شمیسا، سیروس، (۱۳۸۴). **کلیات سبک‌شناسی**، تهران: میترا.
- شبیانی‌اقدم، اشرف، (۱۳۹۴). **کلیدواژه‌های سبک‌شناسی**، چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
- صفوی، کوروش، (۱۳۸۴). **معنی‌شناسی**، تهران: انتشارات سوره.
- فتوحی، محمد، (۱۳۹۱). **سبک‌شناسی نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها**، تهران: سخن.
- فرقانی، محمدمهدی، (۱۳۸۲). **راه دراز گذار: تحول‌گفتمان توسعه سیاسی در ایران**، تهران: انتشارات فرهنگ و اندیشه.
- فرکلاف، نورمن، (۱۳۷۹). **تحلیل انتقادی گفتمان**، مترجم فاطمه شایسته پیران و دیگران، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- فرهانی منفرد، مهدی (۱۳۸۲). **پیوند فرهنگ و سیاست در عصر زوال تیموریان و ظهور صفویان**، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- _____ (۱۳۷۸). «مناسبات دیپلماتیک دوره زمامداری سلطان حسین بایقرا»، **مجله تاریخ**
- روابط خارجی، سال اول، شماره ۱، صص ۱۷-۳۰
- مقدادی، بهرام، (۱۳۸۴). **فرهنگ اصطلاحات نقد ادبی (از افلاطون تا عصر حاضر)**، تهران: فکر روز.
- مکاریک، ایرنا ریما، (۱۳۹۰). **دانشنامه نظریه‌های ادبی معاصر**، ترجمه مهراڻ مهاجر و محمد نبوی، تهران: انتشارات آگه.
- نورگارد، نینا و بوسه، بتاتریکس و موتورو، روسیو (۱۳۹۴). **فرهنگ سبک‌شناسی**، ترجمه: احمد رضایی جمکرانی و مسعود فرهمندفر، تهران: مروارید.

Abstract**Representation of power in Ministerial order by
Ghyas al Din Khandmir**

Narges Oskooi*

Zahra Jafariyan**

Writing the history of ministration has an important position in Persian literature; these writings are in sort of political notes in written historical, and Persian literature works, and narrate the role of state fora, and ministers in authorities, and provide some measures to improve this position's quality of services. History of ministration involves precious information in historical, political, ideological, and linguistic aspects, and analyzing of language, and thought layers of these texts, by considering their times' situations, helps to representation of information deeply. So the main issue of this paper is exact identification of thinking, cultural, and political structures of these books as a type of Persian writings of history, through analyzing of criticizing notion of power, and culture in layers of texts' styles. The author of this book, Khandmir, who was writer in Teymories' court, and was directly supported by his time's rulers, wrote this text by clarified political, and religious orientation to support ruling power, and its subjects. Findings of this paper, which was made in mixed (descriptive-analytical) approach, show that the author prominently tried to strengthen the ruling monolog political notion while Teymories' monarchy, and did hostility with their enemies, and oppositions by using: 1- prominent, and meaningful words, and direct confrontation in favor of religious and governmental choices, 2- using of continues, and decisive dialectic by awareness and active voice's prevalence, 3- Abundant use of ideological similes, and metaphors in rhetorical layers to strengthen cultural, and political ends, and also 4- get more benefits from encouraging actions, and reactions to formalizing current ideological values.

Keywords: history of ministration, Minister's order, criticizing Stylistics, ideology, Khandmir.

* Associate Professor of Persian Language and Literature. Azad University. Iran. Bonab. noskooi@yahoo.com

** Ph.D candidate in Persian Language and Literature, Azad University, Iran. Bonab. z.jafariyan1394@gmail.com